

سال چهارم

مهرماه ۱۳۱۵

شماره ۵

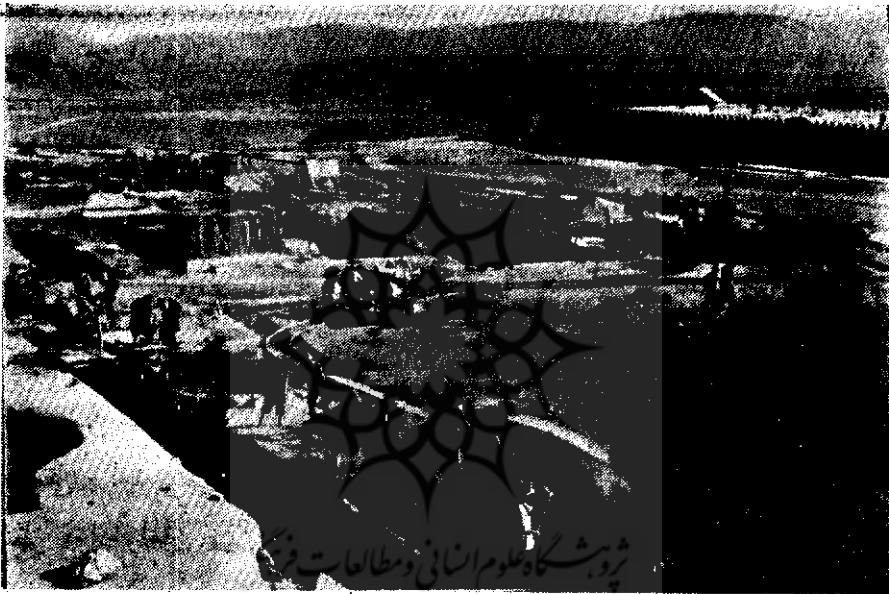
اكتشافات جديد در تخت جمشيد

بطوریکه خوانندگان مجله مهر مسبوقند عمل حفر و کشف و پاک کردن قصر
مهور هخامنشی موسوم بتخت جمشید از چهار سال قبل بوسیله هیئتی که تحت نظر
مهافل دانش دوست امریکا قرار داد باسرپرستی و نظارت دولت شاهنشاهی آغاز گردیده
و در این مدت آثار گرانبها و بی نظیری که حاکی از عظمت باستانی ایران و روح
صنعتی و استعداد رقابت ناپذیر ایرانیان است متوالیا کشف و ظاهر گردیده و برای جلب
نظر هوا خواهان فنون ایرانی و تماشای قدرت نمائی های هنر مندانه این نژادی که
توانائی روح پرتموج وی جاویدان بیای مانده است هر کدام از آثار کشف شده را باطریقه
های علمی حتی الامکان بجای اصلی خود استوار ساختند. از جمله کشفیات مزبور
یکی کتیبه های زیرزمینی است که دستگاه باده کشی را از موقع ریختن انگور تا آنجا که
بوسیله حوض ها و لوله های مخصوص تصفیه میشود نشان میدهد و ثابت مینماید که منتهای نظافت
و نکته های صحیحی در صنعت مزبور رعایت میشده است. متأسفانه بعلمت تاریکی زیرزمین
تاکنون عکس کاملی از آن بر نداشته اند.

یکی از کشفیات دیگر که جنبه ادبی آن اهمیت عظیم دارد بیست و نه هزار
خشتی است که روی آنها خط میخی نوشته شده و هنوز تحت دقت و مطالعه علما میباشد و مدتی
لازم است تا مطالب آنها را بخوانند و درست بفهمند و ترجمه کنند ولی اینقدر معلوم

شده که بلشکر محافظ قصر خشیار شاه مربوط است و خشت ها فعلا در شیکاگو تحت رسیدگی قرار دارد.

کشف دیگر پلکان بزرگی است که بتالار داریوش منتهی میشود. پلکان مزبور با تارمی سنگی و سرستونها و سنگ فرش هر کدام از پله ها تعمیر یافته تقریبا بحال اصلی برگردانیده شده است.



دورنمای جدید تخت جمشید

کشف بسیار مهم دیگری که بعمل آمده عبارت است از قطعه سنگ های موسوم به (بن - یاد) که تاریخ بنای قصر تخت جمشید در آنها یاد شده در بن پایه امانت نهاده اند و نیز قطعه سنگهایی که در سال ۱۹۳۵ پیدا شد و حدود مملکت شاهنشاهی زان بر آنها نقش کرده اند.

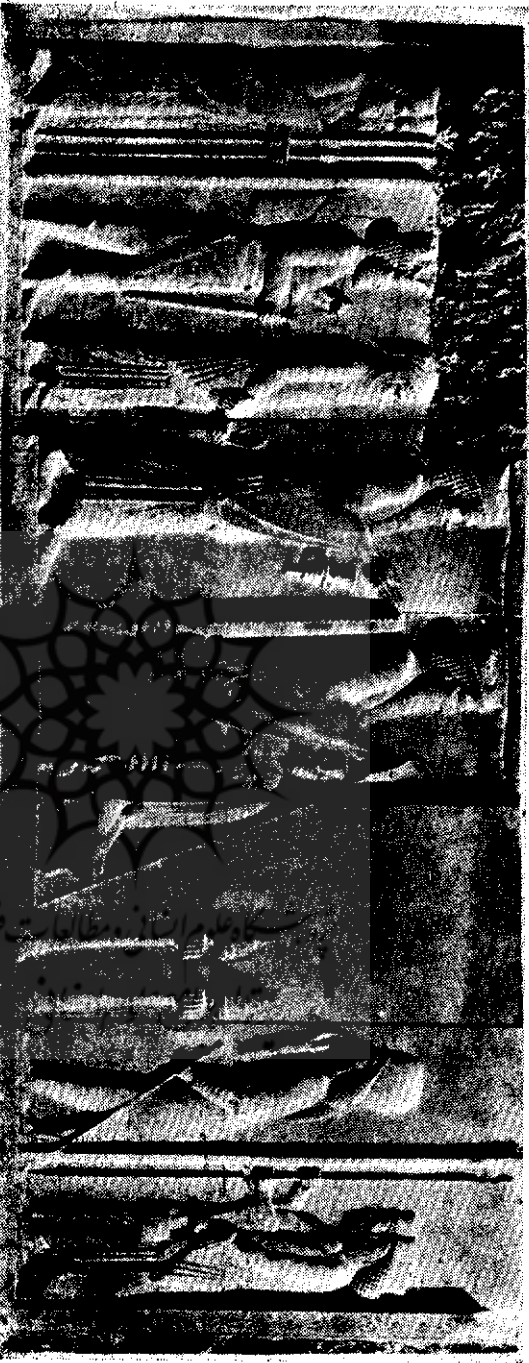
فعلا دکتر اسمیت رئیس هیئت اعزامی از طرف موسسه مطالعات شرقیه شیکاگو علاوه بر تخت جمشید در زیر مقبره داریوش که فیروزی شاپور بر امیراتوروم نیز همانجا منقور است بحفریات پرداخته و در آغاز عمل مقداری سکه نقره ساسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

داریوش و خشیارشاه

از کشفیات تازه تخت جمشید



کتابخانه دو بند است چنانچه که در حریرات اخیر زهدت جمعید کتب شده و در حال تفصیل آن نامهای مذکور
است. همچنین کتابی که در وقت فتح آذربایجان در وقت فتح آذربایجان در وقت فتح آذربایجان در وقت فتح آذربایجان
قدسه است .

یافته‌اند. بعقیده دکتر اسمیت اطراف و نواحی تخت جمشید را باید (بهشت حفاران) نامید از بس که در آن ناحیه آثار قدیم بسیار است زیرا فی الحقیقه تخت جمشید که به زبان یونانی (پرسپولیس) یعنی پارسا شهر میخوانند مجاور شهر استخر است و میتوان



گفت که مقام تخت جمشید نسبت با استخر مانند مقام قصر و قصبه و رسای می باشد نسبت بشهر پاریس و بنا بر این عقیده بعضی از علمای معاصر ایرانی که استخر را از ماده (خسترا - یعنی شهر) میدانند گویند درست باشد بنا بر آنکه پارسا شهر همان استخر بوده و عمارات تخت جمشید از مضافات آن محسوب شود و بگوئیم که لفظ (پرسپولیس) یونانی بر مجموع هر دو قدمت که شهر بغلاوه قصر و سلطنتی باشد اطلاق

میشود چنانکه جغرافیون غلاف قداره یکی از درباریان در دوره هخامنشی

قدیم ایران نیز که در عهد آنها هنوز هم استخر شهری آباد و هم قصرها قسمتی بر جا بوده مجموع را فقط بهمان نام (استخر) و (عمارات و قصور استخر) یاد کرده اند.

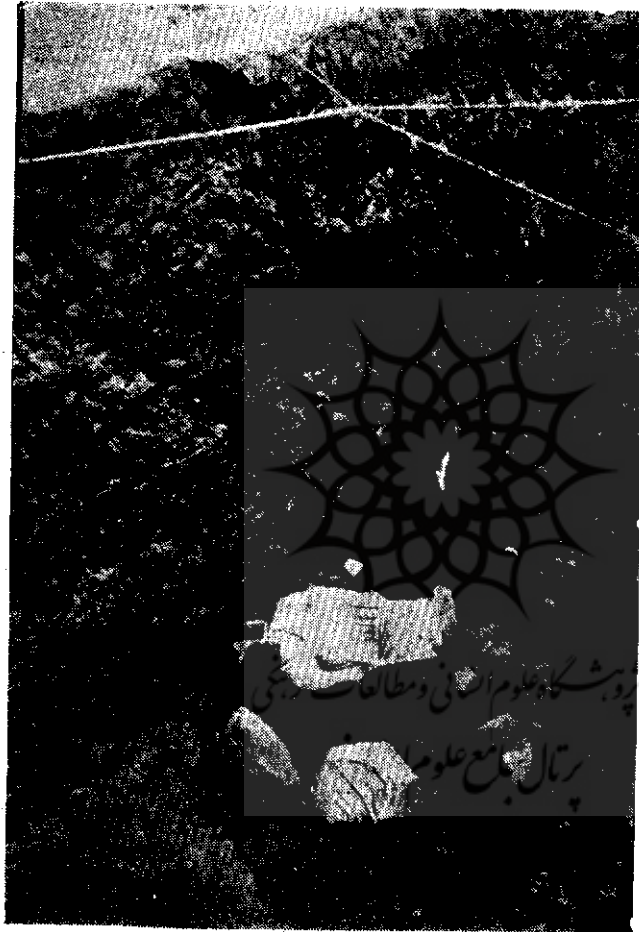
در نزدیکی تخت جمشید یک دهکده بسیار قدیمی پیدا شده متعلق به عصر

حجری و بفاصله هفت میل از قصرها آثار شهر استخر را یافته‌اند.

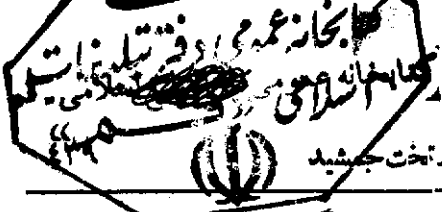
آخرین اکتشاف هیئت مزبور در بانصد متری تخت جمشید بعمل آمد و عبارت است از يك حياط بزرگ که فعلا خاک برداری میشود و در يك دیواره سنگی آن حياط کتیبه جدیدی از زیر خاک بیرون آمده است که بنا بر راپرت دکتر اسمیت که بموسسه

شرقی شیکاگو میدهد عالی ترین نمونه صنعت و برترین برهان نبوغ قدیم روح ایرانی میتواند شمرده شود.

کتیبه مزبور که عکس آن در همین صفحه ملاحظه میشود عبارت است از نقشی که در دو جانب مقابل هم واقع و دایر بوش بزرگ راروی تخت هنگامی نشان میدهد که يك نفر از دادخواهان مادیائی را بار حضور بخشیده است - پشت سر دایر بوش ولیعهد و جانشین وی خشیار شاه ایستاده



و دنبال او شخصی است مجسمه زن یونانی که در حفاریات تخت جمشید یافته اند که يك حوله بدست گرفته و شالی بدور سر پیچیده مطابق شال های ترمه که اطباء درباری ایران تا قرن گذشته بر سر می بستند و این خود يک نوع نشان و امتیاز اطباء مزبور بود. البته شخص شال بر سر نیز ممکن است طبیعی باشد که پیوسته حاضر خدمت شاهانه بوده و خوردنی و نوشیدنی پادشاه را قبلا او باید بچشد - در دست دایر بوش و فرزند وی شکوفه زنبقی است که دو



گل شکفته دارد و این نشان خاندان سلطنت بوده است. در دست دیگر پادشاه عصای فرمانروائی است. پشت سر طبیب شخص دیگر از اعضای دربار استاده که گویا حامل گرز سلطنتی است و در دو سمت دو تن از پاسبانان لشکر جاویدان استاده اند. موزه های این اشخاص شبیه است بکفش های کنونی ایرانیان. قداره شخصی که گرز سلطنتی را گرفته از حیث ظرافت و خوشکاری جزء غرایب صنعت شمرده میشود و غلاف قداره با شکوفه های زنبق بوسیله گوهر های گرانبها تر صیغ یافته است. بطوریکه دیده میشود جائیکه با دما مک گیره غلاف کار گذاشته شده صورت سپرمانندی است که روی آن شکل دو حیوان منقوش است شبیه بدو حیوانی که نشان دولتی انگلستان میباشد و آنرا (بونیکورن) مینامند. در پشت غلاف شکل بز کوهی متعدد نقش شده و در پایان غلاف سرقوچی منقوش است. از دو نفر سرباز جاویدان که روبروی پادشاه و پشت سر دادخواه قرار دارند يك تن ظرفی فلزی بدست گرفته دیگری نیزه دار است. شخص دادخواه بحال کرنش در آمده و دستش را بعلاقت احترام بدهان برده - دکتر اسمیت باردیگر این حقیقت را که برخی از مورخین معاصر اروپائی تکذیب نموده اند تایید و تصدیق مینماید که اسکندر عمارات و قصور مزبور را آتش زده است و بنا بر این روایات مورخین یونانی در باره حریق استخر درست است و بر خلاف نظر بعضی از اسکندر پرستان معاصر افسانه نمیشد. فی الواقع دلیل هم ندارد فرض کنیم که مورخین یونانی بعد از اسکندر در عین اخلاصی که باو داشته اند بی سبب چنین عمل وحشیانه را باو نسبت داده باشند و تکذیب بعضی معاصرین از حریق مزبور فقط باید بر تعصب بيمورد حمل شود.

در صحن حیاط مزبور سه سکه از مسکوکات اسکندر پیدا شده و دکتر اسمیت تصور میکند هنگام اغتشاشی که در آغاز آتش زدن قصر تولید شده سکه های مزبور از جیب يك سرباز مقدونی افتاده است. درون دالان که در امتداد حیاط واقع شده يك مجسمه یافته اند از زنی که با سنگ مرمر تراشیده شده و سر آن از بیکرش جدا گردیده. دکتر اسمیت مجسمه مزبور را شبیه کارهای یونانی شناخته و چنین تصور می کند که آن مجسمه را خشیار شاه بعد از فتح آتن از آنجا با خود بایران آورده است